فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی
سال بیست و یکم، شماره ۶۵، بهار ۱۳۹۲، صفحات ۲۳۰-۲۰۱

بررسی دیدگاه غربی و رویکرد اسلامی به ارتکاز ذهنی از ماهیت پول و اعتبار

محمدمهدی مجاهدی مؤخر
استادیار اقتصاد بازرگانی دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول)
m_mojahedi2004@yahoo.com

رحیم دلالی اصفهانی
دانشیار اقتصاد دانشگاه اصفهان
rateofinterest@yahoo.com

سعید صمدی
دانشیار اقتصاد دانشگاه اصفهان
samadi_sa@yahoo.com

رسول بخشی
دانشیار اقتصاد دانشگاه یزد
rbakhshi@yazduni.ac.ir

ماهیت‌های وجودی قابل تصور در دنیای پیرامون یا عینی یا ذهنی با منشأ عینی هستند. در این میان، برخی پدیده‌ها نه در جهان خارج حضور فیزیکی دارند و نه در زوایای ذهنی ارتکاز می‌شوند، بلکه آنچه هست جعل یک واقعیت بیرونی یا ذهنی است. پول به‌عنوان یک ابتکار بشری برای سهولت در مبادلات اقتصادی می‌تواند ماهیتی عینی به شکل کالایی یا کاغذی بدون هیچ ارزش ذاتی و صرفاً امری قراردادی باشد. همچنین، به شکل جعلی در خلق اعتبار از هیچ امکان وجود دارد. آنچه در این مقاله به آن پرداخته شده است، مقایسه آراء و نظریات اندیشمندان غربی و اسلامی در خصوص ماهیت ارتکازی از پول و اعتبار است. این مقاله نتیجه می‌گیرد که نوع نگاه غربی به مفهوم پول با تأکید بر کارکرد پولی و نگاه اسلامی به ماهیت و چیستی پول به نتایجی متضاد منجر می‌شود. توجه به فراگرد بازگشتی از ماهیت ذهنی و جعلی پول به امور واقعی و حقیقی هر چند در دو دیدگاه اشتراکاتی دارد، اما شیوه نگرش به چیستی یا کارکرد پول عملاً نوع ورود به مفهوم پول و اعتبار را متفاوت می‌سازد.

طبقه‌بندی JEL: *E42, E51, E59, D91.*
واژه‌های کلیدی: *پول، ماهیت پول، اعتبار، بانک، خلق پول از هیچ.*

* **تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۱/۲۷** **تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/٤/۱۵**

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

۱. مقدمه

پدیده‌ها و ماهیت‌های قابل تصور در دنیای مادی پیرامون یا عینی و مشهودند یا تنها در زوایای ذهنی رسوخ می‌کنند و گاهی نیز نه مشاهده‌ای عینی است و نه مقوله‌ای ذهنی بلکه هرچه هست جعل یک حقیقت عینی یا ارتکاز[۱] ذهنی است.

یک پدیده ممکن است ماهیتی عینی داشته باشد، به‌گونه‌ای‌که تصویر یکسانی از پدیده‌های مادی پیرامون در ذهن نقش ببندد، به طوری‌که علم به وجود پدیده‌ای عینی علمی حضوری است و وجود علمی و وجود عینی یک شیء بر هم منطبق است. در مقابل، یک ماهیت وجودی می‌تواند ذهنی و انتزاعی باشد. در این راستا، ممکن است ذهن در مقدمات تفکر خود بر مفاهیم عینی و مشهود نیز تکیه کند و مفاهیم انتزاعی خود را گسترش دهد. مفاهیم چه مقدمات عقلی محض داشته باشند و چه بر یافته‌های مشهود تکیه کنند در مسیر شکل‌گیری و تکمیل یافته‌های ذهنی به‌دلیل ماهیت غیرمشهودشان الزاماً تصویر یکسانی از مقوله ذهنی در تمام اذهان ایجاد نمی‌کند. در این میان، برخی از امور نیز در مسیر ابداعات بشری در ذهن افراد رسوخ نموده است که نه در جهان خارج حضور فیزیکی دارد و نه در زوایای ذهنی ارتکاز می‌شود، بلکه هر آنچه هست جعل و قلب یک حقیقت مشهود یا یک مفهوم ذهنی مورد اتفاق همگان است. بدیهی است یک پدیده جعلی برای مقبولیت و پذیرش باید بر یک امر مشهود یا مفهوم ذهنی اتصاف شده بر یک امر عینی تکیه نماید. در عین حال، رسوخ مفاهیم ذهنی به‌ویژه جعلی در اذهان اقشار جامعه به‌دلیل عدم یکسانی ارتکاز ماهیت آن می‌تواند موجب سوءاستفاده‌های بی‌شمار شود.

پول به‌عنوان یک قرارداد اجتماعی چه به‌صورت پول کالایی و فلزی و چه به‌صورت پول رسمی بدون پشتوانه یا اعتبار بانکی در دایره تصورات افراد جامعه جای می‌گیرد، اما قرارداد نمودن پول کالایی به‌دلیل ماهیت عینی و ملموس آن تصویر یکسانی در ذهن تمام آحاد جامعه ایجاد می‌کند، به گونه‌ای که به‌خوبی پول مغشوش و تقلبی از پول فلزی رایج تمیز داده شده و به‌طور خودکار پول تقلبی از چرخه اقتصادی کنار می‌رود، در حالی‌که پول کاغذی بدون پشتوانه به اعتبار ارزش قرارداد شده روی اسکناس به‌عنوان ماهیت ذهنی به‌مثابه یک اتصاف حقیقی از پول فلزی ذاتاً دارای ارزش پذیرفته می‌شود. در این میان، بانکداری ذخیره جزئی با جذب منابع سپرده‌ای به‌صورت پول کاغذی و تنها نگهداری کسری از وجوه سپرده‌گذاران به‌صورت نقد در کنار تعهد پرداخت عندالمطالبه وجوه سپرده‌گذاران اینگونه القا می‌کند که وجوه تمام سپرده‌گذاران در بانک است، در حالی‌که این نوع تلقی در ذهن

۱. ارتکاز در لغت به‌معنای رسوخ یک مفهوم در ذهن است.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

سپرده‌گذاران یک جعل واقعیت ذهنی از پول کاغذی قرارداد شده است. در این رابطه دو مسئله حائز اهمیت است، نخست اینکه انسان در تصور و تحلیل پدیده‌های پیرامونی خود در پی شناخت حقیقت و ماهیت و صورت معقول پدیده‌ها است و پدیده‌ای مانند پول نیز از این قاعده مستثنی نیست. چنانچه پول به‌عنوان کالای عینی مورد پذیرش قرار گیرد کارکردی خودکار متناسب با ارزش ذاتی و اعتباری آن دارد، در حالی‌که تصور ذهنی از یک ماهیت قراردادی تنها تعریف ذهنی را از آن پدیده مسموع خواهد ساخت و در نهایت ذهن این ارتکاز را به‌منزله یک اتصاف حقیقی می‌پذیرد اما در عمل وجود خارجی ندارد.

دیگر اینکه ارتکازات ذهنی حداقل در حوزه اقتصادی از یک منشأ حقیقی و عینی سرچشمه می‌گیرد، اما در مسیر زمان ابتکارات دامنه شمول آن را از منظر مصادیق عینی خارج می‌سازد و به مرزهای ذهنی و حتی جعلی می‌کشاند، اما این اصل وجود دارد که ماهیت‌هایی که واقعی است یا ذهنی یا جعلیاتی که نه عین است و نه ذهنی (بلکه جعل است) برای مقبولیت میان تمام افراد جامعه ضرورتاً می‌بایست به یک منشأ عینی تکیه کنند. در غیر اینصورت امکان مقبولیت میان عامه مردم را نخواهد داشت.

آنچه در ادامه مقاله به آن پرداخته می‌شود نقش ماهیت پولی در دامنه ارتکاز عینی تا انتزاع ذهنی و جعلی در بیان اندیشه و دیدگاه اندیشمندان غربی و رویکرد اسلامی است. در این میان، به بیان دیدگاه‌های مختلف فکری غرب به ماهیت و کارکرد پول پرداخته می‌شود و در این رابطه نگرش اسلامی در برخورد با این مسئله با الگوی غربی مقایسه می‌گردد.

۲. کارکرد پول کاغذی و اعتبار بانکی به‌منزله ماهیت ذهنی و جعلی پول

۲-۱. ورود پول کاغذی در چرخه مبادلات اقتصادی

فرض می‌شود دولت به سیاست مالی به‌منزله یک سیاست پولی می‌نگرد، به طوری‌که نیاز جامعه از پول نقد به منزله افزایش بودجه دولت است. بر این مبنا، دولت در حوزه اقتصاد با انجام مخارج (G) و تأمین آن از طریق انتشار پول رسمی بدون پشتوانه[1] اعمال حاکمیت می‌کند و جامعه با الزام قانونی این پول را به‌منزله اتصاف حقیقی از پول کالایی ارتکاز نموده و در مبادلات اقتصادی استفاده می‌نماید، به طوری‌که:

$$G_t = M_t \qquad (۱)$$

1. Fiat Money

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

همچنین، چنین کارکردی از پول کاغذی به مفهوم سهولت در مبادلات و کارایی تخصیصی مترتب بر آن است (ساموئلسون، ۱۹۵۸). فرض می‌شود حجم پول کاغذی بر اساس اندازه جمعیت و رشد آن تعیین می‌گردد. در این راستا، چنانچه رشد جمعیت با نرخ n رشد کند رشد پولی متناسب با رشد جمعیت تعیین خواهد شد، به طوری‌که با استفاده از رابطه (۱) می‌توان نتیجه گرفت:

$$G_{t+1} = M_{t+1} \qquad (۲)$$

$$M_{t+1} = M_t\,(1+\vartheta) \qquad (۳)$$

$$n = \vartheta \qquad (۴)$$

۳-۲. رفتار بانکداری اصل ذخیره جزئی در خلق اعتبار بانکی

نهاد بانک شامل X بانک تجاری است که بر اساس روش ذخیره جزئی فعالیت می‌کند. بانک در چارچوب سازوکار اصل ذخیره جزئی افراد جامعه را به سپرده‌گذاری وجوه در اختیارشان تشویق می‌کند. بر این مبنا، نهاد بانک وجوه نقد سپرده‌گذاران (به‌صورت پول کاغذی) را به‌صورت حساب دیداری یا حساب سپرده مدت‌دار اخذ و ضمن ارائه خدمات بانکداری رایگان به تمام مشتریان به سپرده‌گذاران مدت‌دار در سررسید بهره پرداخت می‌کند. همچنین، به سپرده‌گذاران عندالمطالبه تعهد پرداخت اصل وجه سپرده‌گذاری شده را می‌دهد. بانک از محل سرمایه نقدی و از طریق بخشی از وجوه سپرده‌گذاری شده وام اعطاء می‌کند (مجاهدی‌مؤخر و همکاران، ۱۳۹۰).[۱]

فرصت اعطاء وام و اخذ بهره از وجوهی که در اختیار بانک است، اما تحت تملک بانک قرار ندارد بانک را ملزم می‌کند که ضریبی از مانده وجوه سپرده‌گذاران را در بانک به‌صورت نقد نگهداری کند تا این تضمین به سپرده‌گذاران داده شود که پول آنان در بانک محفوظ است، در حالی‌که بخش عمده‌ای از این وجوه توسط بانک یا وام داده شده یا صرف تأمین مالی در یک فعالیت سودآور شده است. در این رابطه، چنانچه δ سهمی از سپرده‌های دیداری از کل سپرده‌های دیداری (D_D) باشد که وجه آن به‌صورت نقد (aM) نزد بانک نگهداری می‌شود و μ سهمی از سپرده‌های غیردیداری به کل سپرده‌های غیردیداری (D_T) تعریف شود که به‌صورت نقد (bM) نگهداری شده است و کل وجوه اعم

۱. در این رابطه می‌توان فرض کرد که در یک الگوی بین نسلی با دو گروه اجتماعی با مشخصه رجحان زمانی متفاوت بانک می‌تواند از منابع سپرده‌ای افراد با رجحان کمتر برای وام‌دهی به گروه اجتماعی با رجحان بالاتر استفاده نماید.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

از جاری و مدت‌دار در بانک نیز با نماد (D_G) تعریف گردد مجموع پول نقدی که در X بانک موجود خواهد بود عبارت است از:

$$\alpha D_G = \mu D_T + \delta D_D \quad (۵)$$

بانک با نگهداری این سهم از موجودی کل سپرده‌های بانکی (شامل دیداری و غیردیداری) به‌صورت نقد این امکان را به تمام سپرده‌گذاران می‌دهد تا هر زمان که بخواهند بتوانند مانده وجوه تودیع شده نزد بانک را برداشت نمایند. در مقابل، چنانچه a ضریبی از کل پول کاغذی جامعه باشد که به‌صورت حساب جاری نزد بانک نگهداری می‌شود و b ضریبی از پول کاغذی تعریف شود که به‌صورت حساب مدت‌دار نگهداری می‌شود و همچنین e ضریبی از پول کاغذی باشد که به‌صورت نقد در دسترس تمام افراد جامعه است می‌توان نوشت:

$$M = aM + bM + eM \quad (۶)$$

به‌طوری‌که:

$$a + b + e = 1 \qquad 0 < a, b, e < 1 \quad (۷)$$

می‌توان نوشت:

$$\frac{aM}{D_D} = \delta, \frac{bM}{D_T} = \mu \quad (۸)$$

$$D_D = \frac{aM}{\delta}, D_T = \frac{bM}{\mu} \quad (۹)$$

با استفاده از روابط فوق می‌توان نتیجه گرفت:

$$M_B = D_D + D_T - \delta D_D - \mu D_T \quad M_B = (\frac{aM}{\delta} + \frac{bM}{\mu} - aM - bM) \quad (۱۰)$$

$$M_B = M\left(\frac{a}{\delta} + \frac{b}{\mu} - a - b\right) \quad (۱۱)$$

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

رابطه (۱۱) نشان می‌دهد که با توجه به سهم سپرده جاری و مدت‌دار از کل حجم پول کاغذی و نیز سهمی که بانک از کل سپرده‌های جاری و مدت‌دار برای مواجهه با برداشت مشتریان نزد خود نگهداری می‌نماید میزان خلق پول بانکی به‌صورت فزاینده‌ای افزایش می‌یابد. در مسیر خلق پول، بانک این تصور را در اذهان ایجاد نموده است که تمام وجوه نقدی سپرده‌گذاری شده نزد بانک موجود است، در حالی‌که امر به ازاء هر واحد پولی سپرده‌گذاری شده در بانک با ادعاهای زیادی از سوی سپرده‌گذاران مواجه است که این ادعاها نتیجه مکانیزم خلق پولی بانک و جعل امر ذهنی قرارداد شده از پول کاغذی بدون پشتوانه انتشاریافته توسط دولت است که برای سپرده‌گذاران از سوی نهاد بانک ایجاد شده است. بانک سعی دارد پول اعتباری را به‌منزله پول کاغذی قرارداد شده در جامعه رواج دهد، در حالی‌که سازوکار خلق پول اعتباری ارائه شده در روابط (۸) تا (۱۱) نشان می‌دهد عملکرد بانک نوعی جعل واقعیت محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، بانک مبادرت به جعل یک ماهیت ذهنی قرارداد شده از پول کاغذی نزد آحاد جامعه می‌کند. در راستای تداوم این عملکرد نظام بانکی و پرهیز از ایجاد مشکل در ارائه یک مفهوم جعلی کارکرد مطلوب نزد بانک این است که:

۱. سهم مبادلات از طریق حساب جاری و پول بانکی افزایش یابد و جامعه به تودیع وجوه نقدی خود در حساب‌های دیداری و غیردیداری مبادرت نماید.

۲. مانده وجوه نقد سپرده‌گذاران نزد بانک به حداقل ممکن کاهش یابد.

با فرض اینکه بانک خلق پول حاصل از رفتار ذخیره جزئی خود را تنها به اعطاء وام اختصاص دهد و فرض شود سپرده قانونی در غیاب مقام ناظر بانکی وجود ندارد رفتار وام‌دهی بانک با استفاده از رابطه (۵) به‌صورت زیر خواهد بود:

$$L_{t,t+1} = M_B = D_G - \alpha D_G = M\left[\frac{a}{\delta} + \frac{b}{\mu} - a - b\right] \qquad (۱۲)$$

رابطه (۱۲) روشن می‌سازد که بانک در چارچوب اصل ذخیره جزئی از طریق جعل یک ماهیت ذهنی قرارداد شده از پول کاغذی با تغییر در نسبت وجوه نقد سپرده‌گذاری شده به کل سپرده‌های تودیعی سپرده‌گذاران از اقدام خود عایدی سرشاری را کسب خواهد نمود. عایدی بانک شامل بهره وام پرداختی $(1+i_L)L_B$ و هزینه‌های بانک شامل پرداخت بابت بهره حاصل از سپرده‌های مدت‌دار سپرده‌گذاران $i_D D_T$، هزینه (درآمد) استقراض (قرض‌دهی) از (به) سایر بانک‌ها به‌دلیل کسری (مازاد) وجوه $i_M(a+b)M$ و نیز پرداخت بابت خدمات رایگانی است که بانک برای تمام مشتریان انجام می‌دهد $H(D_D, D_T, L_B)$. به‌طور مشخص در این الگو تابع سود بانک عبارت است از:

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

$$\pi_B = (1+i_L).L_{B.t,t+1} \pm i_M(a+b)M_{t,t+1} - i_D.D_{T,t,t+1} - H_{t,t+1}(D_D, D_T, L_B) \qquad (۱۳)$$

با بهره‌گیری از رابطه (۱۱) عبارتند از:

$$\pi_B = (1+i_L).(\frac{a}{\delta}+\frac{b}{\mu}-a-b)M_{t,t+1} \pm i_M(a+b)M_{t,t+1}$$
$$-i_D.\frac{bM_{t,t+1}}{\mu} - H_{t,t+1}(D_D, D_T, L_B) \qquad (۱۴)$$

با نگاه به نوع تابع سود در رابطه (۱۴) مشاهده می‌شود که بانک برای سودآوری در فعالیت خود یا افزایش سود کافی است تا:

– نسبت وجوه نقد سپرده‌ای به کل سپرده‌های تودیع شده را کاهش دهد. سهم بالاتری از پول بانکی (در مقابل پول کاغذی) را در مبادلات اقتصادی به جریان اندازد و جامعه را برای تسویه مبادلات جاری اقتصادی از ناحیه بانک تشویق نماید. در عین حال، هزینه‌های نقل و انتقالات بانکی را برای سهولت و استفاده بیشتر از پول بانکی به‌جای پول کاغذی تقبل نماید.

– اعتماد عمومی از وجود مانده وجوه تودیع شده آنان نزد بانک را برای عدم برداشت از حساب جلب نماید.

– در صورت مواجهه با تقاضای روزافزون برداشت وجوه تودیعی (اعم از سپرده‌های جاری و مدت‌دار) برای تشویق و تهییج سپرده‌گذاران نرخ سود سپرده‌های مدت‌دار (و در صورت لزوم حتی حساب‌های دیداری) را افزایش (پیشنهاد) نماید.

کارکرد این اقدام بانک در مسیر خلق اعتبار و تداوم جعل ماهیت ذهنی پول سه اشکال جدی بر عملکرد اقتصاد وارد می‌سازد.

کارکرد بانکداری ذخیره جزئی به‌منزله جعل ذهنی از ناحیه وام‌دهی، تعادل پولی را از طریق سازوکار خلق اعتبار و محو پول رسمی ایجاد برهم می‌زند.

– تفاوت‌های سررسیدی ناشی از بدهی بانک در مسیر خلق اعتبار به شکل‌گیری و تثبیت نرخ بهره بانکی و تخصیص غیربهینه منجر می‌شود.

– کارکرد سازوکار خلق اعتبار به عدم تعادل در پس‌انداز و سرمایه‌گذاری می‌انجامد و بستر رکود مداوم پولی را فراهم می‌سازد.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

۳. دیدگاه برخی از اندیشمندان غرب در خصوص تصورات عینی، ذهنی و جعلی از پول

نقش مهم پول در ایجاد مبادلات جدید و تسهیل مبادلات جاری همواره این عامل را در کانون توجه اندیشمندان اقتصادی قرار داده است. معیار ارزش بودن، وسیله مبادله بودن و ذخیره ارزش بودن پول در کنار قدرت خرید پولی و نقش آن بر متغیرهای حقیقی اقتصاد از جمله چالش‌هایی است که در حوزه مکاتب فکری می‌توان پاسخ‌های متفاوتی را دریافت نمود. کارکرد پول با منشأ حقیقی شکل کاغذی پول با منشأ قرارداد اجتماعی، پول به‌عنوان اعتبار محض و تبعات هر یک از این مصادیق رهیافت‌های متفاوتی از نقش پول در اقتصاد را نشان می‌دهد که در این بخش به آن می‌پردازیم.

۳-۱. کارل مارکس[1]

در اندیشه فکری مارکس پول ارتباطی تنگاتنگ با رابطه اجتماعی افراد دارد و پیوند اجتماعی در ارزش مبادله‌ای پول نمایان می‌گردد. محصول ناشی از فعالیت کاری انسان به‌مثابه یک ماهیت حقیقی می‌بایست از طریق ارزش مبادله‌ای که پول نماینده آن است ایجاد شود. ارزش مبادله‌ای در نگاه مارکس یک مفهوم ذهنی است که افراد آن را قرارداد کرده‌اند. حتی اگر ماهیت آن عینی باشد، چراکه معیاری است تا کالاهای متفاوت از حیث جنس، کیفیت و کمیت را با یکدیگر هم‌سنگ کند.

کالاها از این جهت که یکی نیستند و با نظام‌های گوناگون از نیاز انسانی همخوانی ندارند مبادله می‌گردند. کالا به‌منزله ارزش یک مسئله عام است و به لحاظ کالای واقعی یک امر خاص. همچنین، به‌مثابه یک ارزش همواره مبادله‌پذیر است. در این راستا، ماهیت پول آن است تا دوشادوش کالاهای خاص به نقش مهم خود در جدا کردن ارزش مبادله‌ای کالا از خود آن کالا اقدام نماید. در اینجا است که پول در عمل مبادله به‌عنوان واسطه مبادله به‌صورت کالا- پول- کالا عمل می‌کند، به گونه‌ای که اقتصاد از یک واقعیت ذهنی به‌عنوان ارزش به وجود یک ماهیت حقیقی بازگشت کند.

در توسعه این مفهوم ذهنی پول در حکم وثیقه‌ای است که مبادله می‌شود تا کالایی دریافت نماید. این نقش وثیقه اجتماعی پول از خاصیت نمادین پول نشأت می‌گیرد که شکل تغییریافته‌ای از روابط اجتماعی افراد است (مارکس، ۱۸۵۸). در بستر این نگرش، گردش پولی و کالایی معکوس یکدیگر عمل می‌کنند، اما این گردش معکوس پول و کالا بازگشتی است به گردش واقعی موجودی کالاها و این به‌معنای گذار از یک انتزاع ذهنی برای تسهیل مبادله به یک ماهیت واقعی به مفهوم کالای حقیقی است. در این گردش پولی، پول تنها نقش ابزاری را ایفا می‌کند که وظیفه آن بازگشت از یک کانون

1. Karle Marx

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

واحد (کالایی) به یک نقطه بازگشت کالایی است. چنانچه ماهیت مبادله از کالا- پول-کالا تبدیل به پول-کالا- پول شود این امر تکراری پایان‌ناپذیر دارد و فراگردی نامتناهی خواهد داشت. در این بستر، کالا با کالا مبادله نمی‌شود بلکه این پول است که مبادله می‌شود، بنابراین میان پول و کالا تمایزات شکل می‌گیرد و در این میان پول تنها وسیله مبادله نخواهد بود، بنابراین این انتزاع ذهنی در باب پول در این چارچوب باعث تضاد خواهد شد که این تضاد به گسستگی ذات عمل مبادله می‌انجامد (مارکس، ۱۸۵۸).

در این زمینه مارکس می‌نویسد: در انتزاع اعتبار بانکی به‌عنوان یک جعل ذهنی (در برابر واقعیت ذهنی پول) که هیچ چیزی وجود ندارد جزء اعتبار، حرکت از یک کانون واحد به نقاط مختلف پیرامونی است که لزوماً بازگشت آن از نقاط پیرامونی به کانون واحد نیست و این آغاز خروج از مدار طبیعی و خودانگیخته گردش کالایی و پول است.

در نگرش مارکس، وجود تضاد در رابطه مبادله به‌دلیل ماهیت عینی است که دو کالای مبادله شده و پول به‌عنوان ماهیت ذهنی و قراردادی دارند. کالا دارای جنبه‌ای طبیعی است و شکل وجودی آن به‌طور ایده‌آل حاوی ارزش مبادله‌ای است، در حالی‌که پول نمادی از پیوند با شکل طبیعی یک فرآورده است. این دو وجود عینی و ذهنی می‌بایست در این تفاوت به تضاد برسند که از سازوکار تز و آتی‌تز شرایطی فراهم می‌شود که دیگر امکان مبادله و تبدیل‌پذیری به پول یا کالای دیگر وجود نداشته باشد. در اقتصاد چنانچه پول از یک کانون واحد به نقاط مختلف پیرامونی حرکت نماید الزاماً بازگشتی از این نقاط به کانون واحد وجود ندارد. این مسئله از دید مارکس آغاز شکل‌گیری تضاد در اقتصاد پولی و اضمحلال نظام اقتصادی است. در این میان، تمایز و اختلاف میان کالا و پول به‌عنوان مصادیق تصور عینی خدادادی و تصور ماهیت ذهنی عنوان عامل تضاد در اقتصاد پولی به گسست در ذات عمل مبادله می‌انجامد و جبر تاریخی ضمن انهدام این سازوکار اقتصاد را به ساختار جدیدی رهنمون خواهد ساخت.

آنچه این تضاد را محتمل‌تر می‌کند عبور از یک مقوله عینی به یک انتزاع ذهنی در مسیر فراگرد گذار از یک ارتکاز ذهنی به موضوعی جعلی است که از پول به شکل اعتبار بانکی نشأت می‌گیرد. این کارکرد در مسیر گردش پول - کالا - پول اضمحلال اقتصاد پولی و در پی آن فروپاشی نظام سرمایه‌داری را تسریع می‌بخشد.

مارکس در اندیشه خود به‌درستی ماهیت ذهنی و جعلی پول را تشخیص می‌دهد. چنانچه پول فلزی از پول کاغذی فاصله گیرد ماهیت ذهنی و تصور مترتب بر آن می‌توانند به بحران اقتصادی و اجتماعی منجر گردد و این امر در شرایط جعل اعتبار به طریق اولی این مسئله را تسریع می‌بخشد. نکته اینجاست

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

که تضاد میان ماهیت انتزاع شده از پول به شکل اسکناس کاغذی یا اعتبار خلق شده بانکی از طریق یک جبر تاریخی نظام اجتماعی را تغییر می‌دهد و به بیان صریح مارکس:

قانون تملک به ضد خود تبدیل می‌شود. از آنجا که ارزش مبادله‌ای در راستای ارضای نیازهای متقابل انسانی، مالکیت کار یا محصول کار منتقل می‌شود در تحولات بعدی ارزش مبادله‌ای وضع به‌صورت دیگری در می‌آید و سرانجام به جایی می‌رسیم که مالکیت خصوصی بر فرآورده کار خود شخص در حکم جدایی کار و مالکیت است، به طوری‌که کار به‌معنای ایجاد مالکیت برای غیر و مالکیت به‌معنای تسلط بر کار غیر خواهد بود.

هرچند پول به‌عنوان اشتقاقی از دلالت تقسیم کار انسانی در اندیشه مارکس مورد پذیرش قرار می‌گیرد، اما نتیجه عملی این اندیشه حذف رابطه کار و مالکیت ناشی از کار است. چنانچه از تعریف قیمت به‌عنوان ارزش مبادله‌ای به‌صورت پول همان قیمت است پذیرفته شود انتقال مالکیت از طریق ارزش مبادله‌ای و قیمت پول تعیین می‌شود، در حالی‌که مارکس در انتهای بحث خود و در سیر تکاملی پول ارزش مالکیت را حذف‌شده می‌داند. ملاک مصرف و ارضای نیازها بر پایه چه معیاری قرار می‌گیرد. چنانچه معیاری جدا از انتقال مالکیت بر مبنای ارزش پولی و قیمت باشد، نقش انتقالی قیمت برای تخصیص عوامل تولید و تصمیم برای تولید نادیده گرفته می‌شود (فیلیپو، ۱۹۹۸).

۲-۲. اقتصاد پولی متعارف

نظریه مقداری پول به‌عنوان اصلی‌ترین دیدگاه پولی کلاسیکی به بیان علت نوسان عمومی قیمت‌ها می‌پردازد. فرض وجود اشتغال کامل عاملی است تا پول به‌عنوان یک ماهیت ذهنی تأثیری بر متغیرهای حقیقی نداشته باشد و نتواند به خودی خود محرک فعالیت‌های اقتصادی باشد.

بر این اساس، دیوید ریکاردو[1] بیان می‌دارد که در بازارهای آزاد رقابتی که ارزش کالاها با توجه به هزینه‌های واقعی تولید می‌شوند و تمام نیروهای انسانی فعال هستند پول نمی‌تواند چنین قاعده کلی را بر هم ریخته و آن را از تعادل خارج کند.

در نظریه مقداری پول جمع انباشت پولی معادل ارزش کل کالاهای خریداری شده است، در نتیجه بازگشت از یک تصور ذهنی به یک ماهیت حقیقی و عینی در نگرش کلاسیکی پول یک اصل است. در این بستر پول نقشی معاملاتی دارد و در تعادل‌های والراسی و مارشالی تأثیری بر متغیرهای حقیقی اقتصاد نخواهد داشت. از این رو، تعادل عمومی در فضای الگوی ارو و دبرو[2] هیچگاه با عدم تعادل

1. Ricardo
2. Arrow-Debro

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

روبرو نخواهیم بود، زیرا پول نقش واسطه مبادله کالاهای مازاد را خواهد داشت و در این میان تعادل پس‌انداز و سرمایه‌گذاری نیز برقرار می‌گردد، به‌ویژه در بیان مفهوم وظیفه ذخیره ارزش برای پول چون در تعادل والراسی کالاها در قیمت تعادلی رد و بدل می‌شوند یک الگوی همزمانی است، بنابراین اصولاً پولی برای ذخیره ارزش وجود ندارد تا عدم تعادل پس‌انداز و سرمایه‌گذاری را سبب شود (داوودی و صمصامی، ۱۳۸۸).

در نگرش کینزی از پول این اصل پذیرفته می‌شود که اقتصاد در اشتغال کامل نیست و پدیده بیکاری و رکود اقتصادی برخلاف دیدگاه کلاسیکی اقتصاد سرمایه‌داری را با معضل مواجه نموده است. در اندیشه کینزی پول به‌دلیل داشتن خاصیت نقدشوندگی و موجد خاصیت ذخیره ارزش از سایر کالاها متمایز می‌شود، بنابراین می‌توان پاداش نقدینگی را به‌صورت بهره پولی در کنار مفهوم پول تعریف نمود (کینز، ۱۹۳۶).

در واقع، کینز نوعی انشقاق از ماهیت ذهنی پول را به‌صورت بهره پولی تعریف می‌کند که به‌عنوان پاداش نقدینگی نیز مفهومی ذهنی دارد و با مفهوم نرخ بهره خودی متفاوت است. در این نوع نگرش کینز ضمن پذیرش دیدگاه کلاسیکی بهره پولی که تنها به‌صورت رجحان زمانی مطرح می‌شود پاداش نقدینگی را نیز به‌عنوان انشقاق از مفهوم ذهنی ماهیت پولی در کنار رجحان زمانی حائز اهمیت می‌داند. وی در این مسیر نقش این ماهیت مشتق شده ذهنی را در رکود مداوم پولی و عدم اشتغال کامل بسیار مهم می‌داند کینز در این زمینه کنیز می‌نویسد:

پول به‌منزله نوشیدنی است که دستگاه اقتصادی را به فعالیت وامی‌دارد و برمی‌انگیزد. بین فنجان و لب چه بسا احتمال لغزش و سقوط باشد ...

نظریه مقدار بهینه پول میلتون فریدمن (۱۹۶۹) با تمرکز بر پول به‌عنوان ماهیتی ذهنی یکی از اصلی‌ترین ره‌آوردها برای اقتصاد پولی است. پیامد این تحلیل یعنی قاعده فریدمن یا قاعده شیکاگو دربردارنده یک نرخ تورم منفی است که نرخ بهره اسمی در اقتصاد را صفر نماید. صفر شدن نرخ بهره اسمی لازمه تخصیص کارای منابع خواهد بود. به‌نظر می‌رسد که نظریه مقداری پول به ویژگی‌های مجزای یک اقتصاد پولی اشراف دارد تا جایی‌که پول را به‌عنوان یک کالای مجانی[1] در مدل والراسی در نظر می‌گیرد که همچون هوا در یک محیط پاک است. با این وجود، گرچه کسی هرگز به فکر فروختن هوا نمی‌افتد، اما همه با ولع یک اسکناس را مادامی‌که قادر به خرید کالایی کمیاب باشد، می‌پذیرند. در واقع، تنها مطلوبیت نهایی موجودی پول به‌عنوان ارزش ذهنی ناشی از نگهداری پول می‌تواند به صفر برسد، اما مطلوبیت نهایی جریان پول نمی‌تواند صفر شود. در معنای دوم، اشباع شدن از مانده‌های پولی

1. Free Good

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

متضمن اشباع شدن از کالاهاست. در نتیجه، در دیدگاه فریدمن با تعریف پول به‌عنوان یک مفهوم ذهنی و قراردادی که منشأ خلق آن دولت است می‌توان مقدار بهینه حجم پول را در اقتصاد مشخص نمود. در نگاه فریدمن (۱۹۶۹) برعکس دیدگاه کینزی در مورد نقش رجحان نقدینگی به‌عنوان پاداش و بهره پولی، تعریف پول به‌مثابه ماهیتی ذهنی اشتقاقی از بهره پولی نیست، بنابراین برای تأمین شرایط بهینه پرتویی[1] نرخ بهره می‌بایست صفر باشد.

در الگوهای نئوکینزی چسبندگی قیمت‌ها به‌دلیل قراردادهای کاری یا انتظارات ناقص در رفتار در فضای اطلاعات ناقص نقش یک سیاست پولی را به‌عنوان ابزاری قوی در بستر انتزاع ناقص ذهنی از پول در متغیرهای حقیقی مؤثر می‌کند. فرض عدم وجود طیف یکسان پس‌اندازکنندگان و سرمایه‌گذاران با فرض ارتکاز ذهنی از پول با انگیزه‌های احتیاطی و سوداگرانه برای نگاهداشت ذخیره پولی در کنار انگیزه احتیاطی نقش مهم دخالت دولت را در ایجاد تعادل سرمایه‌گذاری و پس‌انداز بیش از پیش اهمیت می‌بخشد، به گونه‌ای‌که بدون ورود مالیات و بودجه دولتی در ساز و کار تعادل امکان تعادل در شرایطی که انگیزه سوداگری مسیر کالا – پول کالا را به مسیر پول – کالا – پول تغییر می‌دهد وجود ندارد. بنابراین، چنین فضایی از نقش پولی در اقتصاد به غیر از وجود توهم پولی، اطلاعات ناقص یا چسبندگی قیمت‌ها نمی‌تواند به رشد اقتصادی یا تعادل بیانجامد.

در نگرش پولی نئوکلاسیکی انتظارات عقلایی عاملی است که برای بازگشت از یک انتزاع ذهنی به یک ماهیت عینی و مشخص از پول به آن تکیه می‌شود. هر چند نیازهای معاملاتی و کسب ثروت مردم را به سمت نگهداری پول سوق می‌دهد، اما در نگهداری پول طیف وسیعی از انواع دارایی‌ها و بازدهی آنها در مقایسه با پول تصمیم نهایی و کاملاً عقلایی را در میزان نگهداشت پول کاغذی مشخص خواهد کرد. در این مسیر، پیش‌بینی تغییر در سطح عمومی قیمت یا تشدید انتظارات تورمی سبب می‌شود تا افراد از نگهداری پول نقدی که نتوانند آن را به ماهیت حقیقی کالاها بازگشت دهند، خودداری نمایند.

رویکرد انتظارات عقلایی به‌عنوان کلاسیک‌های جدید دارای مبانی مشخصی از نگرش به ماهیت ذهنی پول است که در راستای نگرش کلاسیکی و تکمیل آن قرار می‌گیرد. رویکرد لوکاس (۱۹۷۵)، سارجنت (۱۹۷۶) و لوکاس و سارجنت (۱۹۷۸) شش رهیافت از انتزاع ذهنی پول و اعتبار در بستر انتظارات عقلایی ارائه می‌شود (نیاهانز، ۱۹۸۷).

1. Pareto Optimality

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

- رفتار اقتصادی از طریق بهینه‌سازی منحصر به فرد راهنمایی می‌شود.
- تأثیر پول بر هزینه‌ها با استفاده از تئوری مقداری پول توضیح داده می‌شود.
- اگر نرخ بهره به‌عنوان یک وسیله سیاستگذاری استفاده شود هزینه‌ها نامشخص هستند.
- بازارها شفافند.
- پول خنثی است.
- یک سیاست عرضه پولی به استثنای تأثیر بر قیمت‌ها بر بخش حقیقی اقتصاد تأثیری ندارد.

همچنین، درآمد واقعی عاملی مهم در تعیین میزان پولی است که نگهداری می‌شود و تقاضای پول تابعی از قدرت خرید آن است. از این رو، میزان پولی تقاضا می‌شود که بتواند ارزش مبادله‌ای مشخص را برای خرید کالاها با مصادیق عینی ایجاد نماید. نتیجه به‌دست آمده آنچه موجبات رشد اقتصادی را از طریق یک مکانیزم انتزاعی ذهنی (به‌صورت پول کاغذی) فراهم می‌آورد، عدم قدرت پیش‌بینی در فضای زمانی کوتاه‌مدت توسط جامعه عقلایی است، بنابراین در بلندمدت که پیش‌بینی‌ها کامل و خطاها تصحیح می‌شود نمی‌توان سیاست پولی را به‌صورت ابزاری برای خنثی کردن نیروهایی که در کوتاه‌مدت موجب بی‌ثباتی اقتصادی شده‌اند یا برای اهداف سیاستی مشخص نظیر رشد اقتصادی و اشتغال بکار برد.

در نگرش متعارف اقتصاد پولی، پول طیف متفاوتی از کارکردها را در اقتصاد ایفا می‌کند. اینکه چگونه می‌توان از ناحیه انتشار پول بر متغیرهای حقیقی تأثیرگذار بود به نقش واکنش ذهنی تمام افراد در تصور صحیح یک سیاست اقتصادی یا پردازش عقلایی و منطقی آن باز می‌گردد. چنانچه پردازش اطلاعات توسط ذهن در بستر عقلانیت اقتصادی انجام پذیرد امکان تأثیرگذاری بر مفاهیم حقیقی و مشترک فراهم است و چنانچه اطلاعات به‌صورتی ناقص به ذهن عاقل وارد شود یا عقل و تصور انسانی به‌درستی ماهیت ذهنی پول را انتزاع نکند انتشار پول با ماهیت ذهنی در متغیرهای حقیقی باعث تغییر خواهد شد. تأکید بر منطق عقلایی یا توهم پولی یا تأکید بر اطلاعات کامل یا ناقص در بازگشت از پول با مفهوم ذهنی آن به ماهیت حقیقی کالایی خللی ایجاد نمی‌کند، بلکه آنچه تحت‌تأثیر قرار می‌گیرد آثار توزیع درآمدی متأثر از درک صحیح و یکسان از مفهوم ذهنی پول است.

۳-۳. اقتصاد مکتب اتریش و مکانیزم اعتبار محض (ویکسل، فون مایزز و هایک)

در ادبیات مکتب اتریش که ویکسل سردمدار آن است پول فلزی و کاغذی به‌عنوان دو شکل از تصویر عینی و ذهنی از کارکرد پولی هیچ جایگاهی ندارد و مبادلات اقتصادی از طریق ساز و کار اعتبار محض بانکی صورت می‌پذیرد. اهمیت رفاهی این سیستم از طریق ثروت مجازی برقرار می‌گردد. این

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

استدلال وجود دارد که در پرتو انتشار پول اعتباری محض رقابت بر سر انتشار پول خصوصی توسط نظام بانکی و در بستر رقابت کاملاً آزاد یک پول با ثبات ظهور کند. در این شیوه عملکرد بانک در خلق پول اعتباری کاملاً آزاد است و عملاً ما به ازاء بیرونی از پول حتی به‌صورت یک قرارداد رسمی اجتماعی نیز وجود ندارد هر چه هست اعتبار است (ویکسل، ۱۹۰۷).

رویکرد اعتباری محض برخلاف نگرش کلاسیکی که مکانیزم تعادل را در پرتو تعادل کالایی تعریف می‌کند و پول را تنها حجابی می‌داند که تنها متغیرهای اسمی را تحت‌تأثیر قرار دهد، شرط ایجاد تعادل کالایی را وجود تعادل در بازار پول می‌داند. بر این اساس، تعادل نرخ بهره پولی و نرخ بهره طبیعی لازمه تعادل کالایی است.

تصویر ذهنی اعتبار محض هر چند از ناحیه افراد با تصور کارکرد پول فلزی و کاغذی و ماهیت آنها همراه است، اما از ناحیه انتشاردهنده اعتبار این مسئله یک فرایند کاملاً انتزاعی است که تماماً بر پایه جعل ذهنی (به مفهوم نبود هیچ‌گونه پول با ماهیت کالایی یا پول کاغذی بدون پشتوانه) پایه‌گذاری شده است (بلوفیور، ۱۹۹۴). به‌عبارت دیگر، در فراگرد تصور ذهنی از پول کاغذی سابقه‌ای از پول فلزی نزد اذهان جامعه فراهم است، اما این تصور در مکانیزم اعتباری محض در چارچوب ماهیت ذاتی پول (به‌عنوان پول کالایی) و در ویژگی قراردادی آن (به‌صورت پول کاغذی) برای پذیرش آن نزد جامعه القا می‌شود، اما عملکرد بانک در مسیر خلق اعتبار و با توجه به نوع القای ذهنی به جامعه نوعی جعل واقعیت عینی یا ذهنی از پول است. در این راستا، آنچه پیونددهنده این مفهوم اعتباری به موضوع عینی است ارتباط نرخ بهره پولی با نرخ بهره طبیعی است و شرط تعادل اقتصادی از طریق تساوی میان دو نرخ بهره پولی و طبیعی برقرار می‌گردد (ویکسل، ۱۹۰۷).

گردش کالایی از مسیر گردش اعتبار و انباشت یا خالی شدن حساب‌های اعتباری بانکی ایجاد می‌شود. نظام اعتباری بر مبنای یک نهاد اعتباری واحد است که با شمار کافی از خطوط فرعی گسترده شده است. در این زمینه ویکسل بیان می‌کند که در یک اقتصاد اعتباری محض نیز پرداخت‌ها از طریق حساب بانکی صورت پذیرد. بانک قادر است تا در هر لحظه و در هر میزان از وام را هر نرخی از بهره حتی بسیار کم اعطاء نماید.

پذیرش اصل بازگشت موضوعات اعتباری و ذهنی به مبانی حقیقی و عینی در اینجا نیز کارکرد خود را از طریق شکل‌گیری تورم خودافزا آشکار می‌کند و رو در روی مکانیزم اعتباری محض قرار می‌گیرد. تعادل طبیعی اقتصاد در چارچوب انتزاع اعتباری از نتیجه پس‌انداز اجباری تأمین و تضمین

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

می‌شود. در این راستا، بانک به‌دلیل فرایند خودافزای تورم و بازگشت از اعتبار به ماهیت طبیعی کالایی اعتبار نامحدود خود را از طریق پس‌انداز اجباری در کنار پس‌انداز اختیاری مدیریت می‌کند.

فون مایزز به‌عنوان دیگر اندیشمند مکانیزم اعتباری محض دستیابی به تعادل نرخ بهره طبیعی و نرخ پولی را بدون آشفتگی در مکانیزم تولید نمی‌پذیرد. در این نگرش، اعتبار نامحدود خلق‌شده بانک نسبت قیمت‌ها را تغییر می‌دهد، فرایند تولید را طولانی می‌کند، تعادل بهره‌ای جدید با افزایش قیمت کالاهای سرمایه‌ای و مصرفی برقرار می‌گردد و پس‌انداز اجباری در بخش مصرف و فرسودگی تکنولوژیک در حوزه تولید راه را برای توسعه اعتبار و خلق اعتبار جدید فراهم می‌سازد.

در نگرش مایزز فرض تنها وجود یک بانک واحد در نظام اعتباری محض امکان نامحدود خلق اعتبار را فراهم می‌کند و وجود بانک‌های متعدد در فضای رقابتی جهت خلق اعتبار می‌تواند ارزش اعتباری بانک را کاهش دهد مگر اینکه اهداف بانک‌ها در خلق اعتبار در یک راستا قرار داشته باشند (مایزز، ۱۹۷۱).

مایزز برای ترسیم ساختاری از اعتبار محض نامحدود ساختاری هرمی را معرفی می‌کند که در رأس آن یک بانک انحصاری انتشاردهنده اعتبار می‌تواند تضمین‌کننده مکانیزم اعتباردهی بانک‌های دیگر باشد. بانک‌های زیرمجموعه نیز در فضایی رقابتی و در محیطی محدودتر امکان خلق اعتبار و تسویه بدهی‌های خود را خواهند داشت، بنابراین سیستم بانکی می‌تواند بدون کمترین مشکل با پشتیبانی و حمایت ساختار هرمی ساختار اعتباری خود را گسترش دهد. در این خصوص مایزز می‌نویسد:

بانک‌ها حکومت مستقل و خودمختاری دارند که به آنها قدرت ابتکار عمل می‌دهد تا با استفاده از کشش بی‌نهایت عرضه اعتبار به رشد تقاضای اعتبار اقدام نمایند... هر فردی که بخواهد قرض بگیرد مطابق قاعده نرخ بهره رفتار خواهد کرد مشروط بر اینکه طیف مختلفی از انواع ریسک را محاسبه کرده باشد.

هایک دیگر اندیشمند اتریشی است که در تکمیل دیدگاه اعتباری محض به چرایی تغییرات در قیمت‌های نسبی و تخصیص کالایی در بستر خلق اعتبار می‌پردازد. تفسیر هایک از ادوار تجاری سرآغازی است برای بیان آثار شکل‌گیری یک تصور ذهنی و جعلی از ماهیت پولی و اعتباری که تعادل‌های جدید قیمتی و نرخ بهره را ایجاد می‌کند. مطابق دیدگاه هایک در حالت کلی محدودیتی برای فعالیت بانک‌ها در گسترش اعتبار و خلق پول بانکی وجود ندارد، اما یک شرط اساسی وجود دارد که می‌بایست توسط بانک‌ها رعایت شود و آن نسبت پرداخت‌های نقدی و پرداخت از طریق چک است در طیف اظهارات هایک (۱۹۳۳) می‌توان کشف نمود که استدلال آشکاری وجود دارد که بانک‌ها نمی‌توانند به‌طور نامحدود اعتبارات خلق شده خود را گسترش و توسعه دهند (هایک، ۱۹۳۵). وی

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

تأکید دارد که منابع اقتصادی در بستر خلق اعتبار به تخصیص‌هایی هدایت می‌شوند که در حالت عادی بدان ورود نمی‌یافتند. در این راستا، تورم غیرقابل کنترل و تخصیص‌های ناکارا الزام می‌کند تا بانک مرکزی به نظارت بر اعتبارات خلق شده بانکی جدی باشد. در این رابطه، شرط اساسی برای جلوگیری از بحران اقتصادی با منشأ اعتباری محض در جلوگیری از رشد عرضه پول بیش از تقاضای پول است. این محدودیت در رشد عرضه پول این تضمین را می‌دهد که رشد قیمت‌ها همواره از رشد عرضه اسمی پول بیشتر بوده و تقاضا برای مانده حقیقی همواره وجود داشته باشد و تقاضا برای عرضه اعتبار بانکی تضمین شود.

دیدگاه اعتباری محض به‌منزله پذیرش یک ارتکاز جعلی مبتنی بر بدهی است که در نه جهان واقعی و نه در تصور ذهنی وجود خارجی ندارد. در این راستا، کارکرد پس‌انداز اجباری و پس‌انداز اختیاری به‌عنوان ویژگی شاخص اعتبار بر پایه بدهی در کنار نقش تورم خودافزا عوامل مهم در کارکرد بانکداری محسوب می‌شوند. انتقال ثروت و تغییر در ترکیب توزیع درآمد از طریق تورم شتابان- در بستر خلق اعتبار بدون پشتوانه- که با هدف تأمین پول ارزان گسترش سرمایه‌گذاری انجام می‌گیرد ضمن ناعادلانه بودن علائم کاذبی را نیز به اقتصاد جهت تخصیص منابع ارائه می‌دهد. چنانچه ترجیحات مصرفی با انگیزه‌های سرمایه‌گذاری و منافع بانکی همسو نباشد این موضوع می‌تواند بحران‌زا باشد، چراکه سازوکار بازگشتی از اعتبار با منشأ هیچ به ماهیت‌های حقیقی اقتصاد در مواجهه با تعهدات بانکی و خطر ناشی از کاهش خوش‌نامی بانک اقتصاد را با معضلات جدی مواجه می‌سازد.

همچنین، پایه‌گذاری اقتصاد بر پایه‌های اعتبار بانکی که در آن اعتبار بر اساس بدهی است، ایجاب می‌کند که پذیرش تحولات تکنیکی و نوآوری در تولید که به کاهش در سطح عمومی قیمت‌ها می‌انجامد چنانچه با منافع بانک و نظام بانکداری در فراگرد بروز پس‌انداز اجباری در تضاد باشد هیچگاه به منصه ظهور نرسد. در نتیجه، در بستر تحول و ابداع تکنیکی که کاهش تورم می‌تواند نتیجه آن باشد منافع بانک (با الزام وجود پس‌انداز اجباری برای تداوم این سیستم) با منافع جمعی در تقابل و تضاد قرار خواهد گرفت.

به عبارت دیگر، بانک می‌بایست در کنار عرضه اعتبار تضمین کافی برای تقاضای اعتبار داشته باشد. این تضمین از طریق کاهش مانده حقیقی پول به‌دلیل تورم ایجاد می‌شود. چنانچه ماهیت عملکردی بخش تولید در نگاه کلان منجر به کاهش دائمی سطح قیمت‌ها بینجامد بانک با کاهش تقاضا برای اعتبار مواجه خواهد شد. این موضوع از طریق طولانی کردن فرایند تولید، ناکارایی در حوزه تولید به‌دلیل اهمیت محوری نرخ بهره پولی در تنظیم رفتار بخش حقیقی اقتصادی تضمین کافی را به بانک

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

برای تداوم فعالیت خواهد داد، اما این تضمین با عدم تعادل‌ها در بستر بخش حقیقی اقتصاد فراهم می‌گردد (مجاهدی و همکاران، ۱۳۹۰).

٤-۲. نظریات بازگشت به الگوهای ذهنی ماهیت پولی

در طیف فکری نظریه‌پردازی ماهیت پول و طبقه‌بندی آن در ماهیت‌های عینی تا نگرش جعلی اعتبار، بازگشت به مفهوم ذهنی از ماهیت پولی در حوزه فکری اندیشمندانی نظیر فیشر (۱۹۳۵)، سیمونز (۱۹۳۶) و موریس اله (۱۹۴۷) و (۱۹۹۳) تبلور یافته است. آثار بحران‌زای نگرش جعلی از پول و تأثیرات نامطلوبی که بر توزیع درآمد، تفاوت در علایق سرمایه‌گذاری و ترجیحات مصرفی و شکل‌گیری ادوار تجاری دارد زمینه را برای هجوم بانکی،[1] سقوط اعتباری[2] و وحشت بانکی[3] فراهم نمود.

– شیوه مکانیزم اعتباری که در آن ذهن انسان در خالی از تصورات عینی و حتی تصویر ذهنی از ماهیت پول است اندیشمندان مذکور را به ارائه الگویی جهت مقابله با این جعل ذهنی انداخت. بر این مبنا، فیشر (۱۹۳۳) عامل مؤثر در ایجاد چرخه‌های تجاری را در شرایط رکودی دهه ۳۰ در بیماری بدهی[4] و بیماری دلار[5] می‌داند. در این راستا، حلقه اتصال این رخداد از این مراحل پیروی می‌کند:

– بدهی نقدی و فروش از سر ناچاری
– کسادی و بحران در پول با منشأ چک و سپرده‌های جاری که توسط بانک تضمین می‌شود
– کاهش در سطح قیمت
– کاهش بزرگتر و بیشتر در ارزش خالص فعالیت‌های تجاری
– کاهش در سود
– کاهش سطح تولید، تجارت و نیروی‌کار
– بدبینی و کاهش اعتماد
– کنز پول و کاهش آن با وجود سرعت گردش بیشتر
– ناپایداری پیچیده و حاد در نرخ بهره (کاهش در نرخ بهره طبیعی و افزایش در نرخ بهره واقعی)

در این میان، زنجیره رخدادهای مطرح شده ارتباطات درونی نیز میان آنها وجود دارد که ممکن است دلایل گوناگونی داشته باشد، اما اصل بدهی و رکود در تمام این حلقه‌ها مشاهده می‌شود.

1. Bank Run
2. Credit Crunch
3. Banking Panic
4. Debt Disease
5. Dollar- Disease

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

(فیلیپس، ۱۹۹۴). در این رابطه، نقش جعل اعتبار در کسادی و کاهش اعتماد عمومی، کنز پول فلزی یا پول کاغذی و به جریان انداختن پول اعتباری نامطمئن برای دوری از ریسک و خطر عدم مقبولیت آن کاملاً مشهود است.

ایده اصلی در نگرش فیشر برای حل مسئله بازگشت به تجربه تاریخی قبل از پول کاغذی به‌عنوان مبنایی متناسب با ارزش ذاتی پول فلزی است، به‌گونه‌ای‌که نگاه ذهنی به ماهیت پول را به مفهوم عینی آن ارتباط می‌دهد. در این راستا، وی به‌دنبال انباشتی از پول توسط جامعه است که افزایش قدرت خرید، افزایش استخدام نیروی کار و افزایش سود را ایجاد نماید. بر این مبنا، وی معتقد است ذخیره ۱۰۰ درصدی پول توسط نظام بانکی به‌جای خلق اعتبار سریع‌ترین و آسان‌ترین راه برای اصلاح اقتصادی است. در این زمینه وی بیان می‌کند بدون ثبات پولی مکانیزم سود خصوصی تنها چند روز بیشتر دوام نخواهد داشت و بهترین روش مطمئن بر خلاف آنچه به انقراض و انحلال نظام سرمایه‌داری می‌انجامد ساز و کار ذخیره ۱۰۰ درصدی پول است که توسط بانک‌ها نگهداری می‌شود.

در واقع، شیوه فیشر در کاهش تبعات انتشار پول به‌جای بازگشت پول به ماهیت حقیقی بازگشت مفهوم پول اعتباری به ماهیت ذهنی پولی است که دولت منتشر می‌کند.

هنری سیمونز (۱۹۳۵) به‌عنوان دیگر اندیشمند در این حوزه فکری نقش مخرب جعل اعتبار را در فروپاشی مکانیزم پولی پررنگ می‌بیند. وی بیان می‌کند زمانی‌که بحران گسترش می‌یابد و زمانی‌که بازدهی شروع به کاهش یافتن می‌کند هرج و مرج بیشتر می‌شود. هر بانکی به‌دنبال قراردادهای جدید برای وام‌دهی است اما هیچ تقاضایی برای اعتبارات بانکی نیست.

وی معتقد است از گذرگاه سرعت تغییر در مقدار پول اعتماد تجاری از میان خواهد رفت و فروپاشی اقتصاد از طریق کاهش اعتماد عمومی خود را نشان خواهد داد که علایم آن در رشد تقاضای نقدینه‌خواهی و تقاضای نقدینگی جامعه به‌صورت تقاضا برای پول نقد (و نه تقاضای اعتبار) جلوه‌گر می‌شود. این تقاضاها نمی‌تواند برآورده شود چراکه تلاش‌ها برای برآوردن آن مستلزم فشار برای افزایش نقدینگی است که شامل وجوه نقد بانک‌ها نیز می‌شود، بنابراین متوقف‌کردن فروپاشی نظام اعتباری در شرایطی که اعتماد عمومی کاهش یافته است ممکن نخواهد بود. در این رابطه مطابق اندیشه سیمونز پول می‌بایست همسو با انعطاف‌پذیری قیمت‌ها در مسیر افزایش رقابت‌پذیری اقتصادی نقش ایفا نماید و می‌بایست موتور محرکه اقتصاد باشد تا مبادلات را تسهیل نماید. این هدف در شرایطی که خلق اعتبار به ناپایداری ذاتی در ساختار مالی و بانکی منجر می‌شود حاصل نخواهد شد، بنابراین شرط لازم برای پایداری در یک اقتصاد بهبود ساختار مالی آن است. در عین حال، سیمونز اعتقاد دارد که امید

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

کمی وجود دارد تا سیاست پولی و مالی تنها تحت نمایندگی دولت باشد. اگر مقامات پولی دچار اشتباه شوند و به انتشار پول و نیز انتشار شبه پول تحت سایر عناوین (ابداعی) مبادرت ورزند تلاش جهت هدایت و راهنمایی در مسیری که بیم‌ها و هراس‌ها در خصوص پول کاغذی (به‌منزله ماهیتی ذهنی) و هزینه‌های بالای نرخ بهره وجود دارد، اشتباهات مالی و نااطمینانی به نحو تحمل‌ناپذیری ایجاد می‌شود. سیمونز به نقش ناپایدار پول کاغذی (به‌مثابه یک مفهوم قراردادی و ذهنی) توجه و تأکید می‌نماید. به عقیده وی چنانچه مقامات پولی در عرضه پول کاغذی(یا پول پر قدرت) دچار اشتباه شوند می‌توان آثار مترتب بر خلق اعتبار بانکی را در این سیاست نیز مشاهده کرد، بنابراین هدایت یک سیاست پولی می‌بایست بر ثبات ارزش پولی استوار باشد (سیمونز، ۱۹۴۵).

موریس اله (۱۹۸۷) دیگر اندیشمندی است که در حوزه پولی به ماهیت جعلی اعتبار اشاره صریح می‌کند. وی معتقد است:

اعجازی که توسط اعتبار ایجاد می‌شود اساساً با شگفتی که از کار جاعلین می‌توان انتظار داشت قابل مقایسه است. تنها تفاوت در سودی است که از ناحیه قرض دادن اسکناس یا اعتبار جعل‌شده برای کسب بازدهی یا بهره پولی ایجاد می‌شود. هر دو طیف انگیزه‌های یکسانی دارند، اما تنها سود آنها با هم متفاوت است. شش ایراد اساسی که موریس آله بر این مکانیزم جعلی اعتبار وارد می‌داند عبارتند از:

- خلق و محو پول از طریق بانک‌های خصوصی
- حساسیت مکانیزم اعتبار به نوسان‌های کوتاه‌مدت اقتصادی
- شکل‌گیری بنیان ناپایداری از طریق ساز و کار قرض‌گرفتن در دوره زمانی کوتاه و وام‌دهی در بلندمدت
- از بین رفتن توزیع عادلانه درآمد از ناحیه ادعاهای باطل و نادرست
- عدم امکان کنترل در خصوص مکانیزم اعتبار
- عدم وجود نظارت و کنترل مؤثر بر عرضه کل پول

در این رابطه، موریس آله اصول اساسی در هدایت اقتصاد را بدون جعل اعتبار در خلق پول توسط دولت می‌داند، به گونه‌ای‌که هیچ پولی نباید خارج از چارچوب پایه پولی منتشر یا خلق شود. همچنین، هیچ فرد یا نهادی نباید امتیاز سودآوری در خلق اعتبار را داشته باشد. از نظر وی الزام مؤسسات و نهادهای اعتباری به قرض‌گیری بلندمدت و قرض‌دهی کوتاه‌مدت برای جلوگیری از بدهی بیشتر از دارایی در شرایط پیش از سررسید وام و سپرده بسیار ضروری است. الگوی پیشنهادی موریس آله این امکان را می‌دهد تا شفافیت اطلاعاتی ایجاد و از خلق اعتبار و تقسیم سود و درآمدهای به‌دست‌آمده به ذینفعان بدون هویت جلوگیری گردد.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

ایرادی که موریس اله به الگوی پیشنهادی فیشر و سیمونز در خصوص ذخیره ۱۰۰ درصدی پول می‌گیرد؛ در نظرگرفتن سایر دارایی‌هایی است که می‌تواند به‌عنوان جانشین پول اعم از اسناد خزانه و اوراق بهادار دولتی توسط بانک‌ها به‌عنوان ذخیره پولی مورد استفاده قرار گیرد. بر اساس دیدگاه وی چنین گسترشی در مفهوم ذخیره ۱۰۰ درصدی پول باعث شده است تا نتایج موردنظر از این روش حاصل نشود (فیلیپس، ۱۹۹۴).

در دیدگاه ذخیره ۱۰۰ درصدی پول به‌عنوان پشتوانه برای کارکرد بانک‌ها در خلق اعتبار در نقطه مقابل دیدگاه اعتباری محض قرار می‌گیرد تا آثار سوء ناشی از خلق نامحدود اعتبار و فروپاشی مکانیزم پایه‌گذاری شده بر اساس انتزاع جعلی را از میان بردارد.

این الگو اقتباسی از ساز و کار پول کاغذی با پشتوانه ۱۰۰ درصدی ارزش ذاتی مسکوکات طلا و نقره است که تماماً جایگاه ماهیت عینی پول برای پشتوانه ماهیت ذهنی و قراردادی بکار گرفته شده است، اما در این جایگاه چون ماهیت ذهنی تصویر مشترک و یکسانی را (در مقابل ارزش ذاتی مسکوکات) در ذهن برقرار نمی‌کند نیاز به ساز و کار دولتی برای تنظیم امور مالی و بانکی ضروری است. در عین حال، این امکان وجود دارد که ورود دولت برای انتشار انحصاری پول کاغذی فی‌نفسه مشکلاتی را از ناحیه عملکرد دولت ایجاد نماید. از این رو دیدگاه‌های متفاوتی میان اندیشمندان طرفدار ذخیره ۱۰۰ درصدی پول وجود دارد.

این تعریف متفاوت از ذخیره ۱۰۰ درصدی پول در تحلیل سیمونز و در انتقاد موریس آله به‌خوبی قابل مشاهده است. در دیدگاه موریس اله در تحلیل موضوع جعل پول و انتزاع ناشی از آن با دیدگاه‌های فیشر و سیمونز ارائه راهکارهایی نظیر دریافت هزینه کارمزد، سرمایه‌گذاری مستقیم، قرض‌دهی کوتاه‌مدت و قرض‌گیری بلندمدت پیشنهاداتی است که در بستر عدم دخالت دولت قابلیت اجرا دارد هر چند اصل نگرش ذخیره ۱۰۰ درصدی پول مدنظر وی نیز قرار می‌گیرد.

٤. رویکرد اسلامی در رابطه با ماهیت پول

در نگرش اسلامی تمرکز بر اهمیت و چیستی پول بیش از اهمیت کارکرد پول مورد توجه قرار گرفته است. این وجه تمایز میان ماهیت و کارکرد پولی با هدف بررسی جنبه‌های فقهی پول است که در استنتاج‌های فقهی بکار می‌رود، بنابراین آنچه برای فقیهان اسلامی اهمیت دارد شناخت ماهیت غیرپولی اشیاء است که نقش پول را ایفا می‌کنند. این نگاه در مقابل دیدگاه اقتصادی است که از پول شناخت چیستی چندان لزومی ندارد و تنها وظیفه و کارکرد آن مدنظر است. حاصل چنین برداشتی از مفهوم

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

پول دریچه‌ای از احکامی فقهی را می‌گشاید که در حوزه اقتصاد پولی امکان تفسیر نتایج آن وجود دارد. به‌عنوان مثال، مصادیق ربای معاملی در خصوص پول با تکیه بر انتزاع ذهنی، حرمت ربا و جبران کاهش ارزش پولی، محدودیت‌های شرعی در انتشار پول پرقدرت، خلق اعتبار بانکی توسط بانک‌های تجاری، پولی‌نمودن کسری بودجه و ضمان دولت در برابر کاهش ارزش پولی از مصادیقی است که در حوزه اندیشه اسلامی دارای پاسخ هستند و در اقتصاد پولی با نگرش اسلامی به‌عنوان یک پارادایم می‌تواند مبنای نظریه‌پردازی باشد. این شیوه برخورد با مفهوم پول در عین وجود اشتراکات مفهومی یا مصداقی با دیدگاه اندیشمندان غیراسلامی نوآوری‌هایی را نیز در زمینه پول مطرح می‌کند، به گونه‌ای‌که این نگرش نتایج حائز اهمیتی را در مقایسه و مقابله با اندیشه‌های رقیب ایجاد می‌نماید.

در نگاه اسلامی تأکید بر نقش بازگشتی ماهیت ذهنی و اعتباری به مفهوم حقیقی و عینی در جهان خارج وجود دارد، اما این نقطه اشتراک میان مکاتب اقتصادی و رویکرد اسلامی نتایج یکسانی را ایجاد نمی‌کند. در نگرش اسلامی جهان اعتبار و جهان تکوین دو جهان وجود دارد که با یکدیگر در ارتباط و در تعاملند و اعتبار و مفاهیم اعتباری برگرفته از مفاهیم تکوینی هستند. از این رو دیدگاه صفت اضافی و عرضی بر پایه صفت ذاتی و جوهری استوار می‌شود (طباطبایی، ۱۳۶۳). این در اندیشه اسلامی از چند طیف مفهوم پول را از دیگر کارکردهای پولی متمایز می‌کند، به گونه‌ای‌که چنانچه ماهیت‌های پولی از اعتبار به ذات ارزش تغییر نماید احکام فقهی تغییر خواهند یافت.

به‌عنوان مثال، تبدیل مسکوک طلا به شمش طلا اتلاق ذکات بر مال را ساقط می‌کند. این به‌معنای خروج از گردش پولی ارزش اعتباری و در نتیجه کاهش آثار اقتصادی چنین گردش اعتباری است (هاشمی‌شاهرودی، ۱۳۷۴).

عدم جواز استفاده از پول مغشوش و قلب شده و در عین حال جواز پول دارای ناخالصی که آحاد جامعه از ناخالصی آن اطلاع کامل دارند نمونه‌هایی از این رهیافت است. در نمونه اول اصل بر عدم جعل و عدم کم‌فروشی پول در مقابل سایر کالاها قرار دارد. در نمونه دوم تأکید بر اصل اعتماد عمومی، قرارداد اجتماعی پول و اتصاف یک صفت ذاتی مشترک در ذهن تمام اجتماع به یک مفهوم انتزاعی است که ماهیت آن را از نمونه اول کاملاً متمایز می‌کند. این شیوه در روش غربی با تمرکز بر کارکرد پول چنین نتایجی حاصل نمی‌شود (یوسفی، ۱۳۷۷). همچنین، پول به‌معنای انتزاع ذهنی یا اعتبار جعلی در نگرش اسلامی دارای ماهیت مثلی یا قیمی است که این ماهیت مثلی و قیمی در قرارداد عرفی در ابتدای انجام مبادله می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. در این مسیر تأکید بر ارزش اسمی و واحدهای پولی مکتوب به‌عنوان ماهیت مثلی یا توجه به قدرت خرید پولی به‌عنوان ماهیت قیمی پول در هر قرارداد

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

نقطه بازگشتی به ذات ماهیت عینی کالایی را مشخص خواهد نمود. از این رو، نوع برخورد حقوقی به‌پول به‌عنوان یک دین می‌تواند نوع رفتار اقتصادی متناسب با آن را تغییر دهد.

چنانچه رفتار عرفی از پول انتزاعی ذهنی با اتصاف یک صفت حقیقی و ذاتی به پول باشد، به گونه‌ای که کاغذ بی‌ارزش پولی با واحدهای مکتوب قرار داد شده بر روی آن دقیقاً با ارزش ذاتی مسکوک طلا برابری کند در این شرایط عملکرد دولت یا بانک به‌عنوان یک تولیدکننده انحصاری از پول ذهنی انتزاعی یا اعتبار جعلی که به کاهش ارزش پولی و دارایی بخشی از جامعه می‌انجامد موجب ضمان دولت یا بانک است، چراکه در نگاه عرف پول انتشاریافته یا اعتبار خلق‌شده به‌عنوان یک صفت حقیقی در ذهن جامعه جای گرفته است، بنابراین نمی‌توان با هدف پولی‌نمودن کسری بودجه یا گسترش منابع مالی بانکی حتی با ساز و کار عقود اسلامی به انتشار پول یا خلق اعتبار اقدام نمود. در مقابل، چنانچه این ویژگی در شرایطی مطرح شود که عرضه و تقاضای بازار ارزش پولی را تغییر دهد (مانند تغییرات ارزش پولی در مقابل ارز) هیچ ضمان و تعهدی وجود ندارد (هاشمی‌شاهرودی، ۱۳۷۴).

در نتیجه، در نگرش فقیهان اسلامی این ماهیت و چیستی پول است که در کانون توجه قرار می‌گیرد و نتایج آن در ارتباط میان انتزاع ذهنی از پول یا ارتکاز اعتباری همواره با ذات و ماهیت عینی پول به‌دست می‌آید و هیچگاه این ارتباط قطع نمی‌شود.

تأکید بر اعتماد و قرارداد اجتماعی در اتصاف ماهیت ذاتی به‌معنای انتزاعی و ذهنی پول کاغذی و تعریف مشخص از موضوع مبادله بر اساس ارزش مثلی یا قیمی، حلقه و اصلی است که میان کارکرد انتزاعی و ذهنی پول را با نقش ذاتی ارزش آن برقرار می‌کند. توجه به ماهیت و چیستی پول دلیل نوع نگاه و تحلیل در نگرش اسلامی است. تفاوت این نگرش عدم توجه صرف به نقش پول و تمرکز بر وظایف آن در کارکرد اقتصادی است، از این رو نگاه اسلامی به ماهیت و مفهوم پول را با رویکرد غرب متمایز می‌کند. وجه دیگر تمایز رویکرد اسلامی و غربی در فلسفه مالکیت نهفته است که تفسیر مباحث اقتصادی در زمینه پول و اعتبار را به‌عنوان یک انتزاع ذهنی با نگرش متعارف اقتصادی متمایز می‌کند. جدای اینکه مالکیت حقیقی همه چیز از آن پروردگار است مالکیت افراد بر اشیاء دو شکل دارد: مالکیت حقیقی و مالکیت اعتباری (به مفهوم عام آن).

مالکیت حقیقی قائم به ذات است مانند مالکیت انسان بر بدن به‌عنوان یک موهبت الهی آنچه این مالکیت را از ذات آن جدا می‌سازد مرگ یا حوادث طبیعی است که منجر به قطع عضو شود، اما مالکیت اعتباری فی‌نفسه قائم به ذات نیست و می‌توان بین مالک و ملک جدایی انداخت. این جدایی

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

می‌تواند از طریق مرگ، فروش، دزدی یا هبه از میان برود و از ناحیه ارث، خرید یا هدیه اخذ شود (طباطبایی، ۱۳۶۳).

پول به‌عنوان یک ملک اعتباری (در مقابل قائم به ذات) از ناحیه سپرده‌گذاری نزد بانک هر چند از مالک جدا می‌شود، اما مالکیت آن از میان نمی‌رود بلکه تنها به امانت گذاشته می‌شود. بنابراین بانک نمی‌تواند بدون وکالت پول سپرده‌گذار را تصرف کند و در زمان بازپرداخت پول، وجه سپرده فرد دیگری را تودیع نماید. پول سپرده‌گذار عملاً در چارچوب عقود اسلامی نزد بانک حبس می‌شود. عدم امکان بدهکاری و طلبکاری همزمان برای بانک تجاری و عدم ایجاب تغییر در عملکرد بانک به‌عنوان یک مؤسسه سرمایه‌گذاری یا مؤسسه‌ای با کارکرد بانکداری مباحثی نظیر هجوم بانکی و ورشکستگی بانکی را در پرتو این ساز و کار معنا نمی‌دهد. نکته مهم در حصول چنین نتایجی ایجاد تصویر مشترک ذهنی و انتزاعی از ماهیت پولی با تأکید بر قرارداد اجتماعی و عرفی و بازگشت به مفاهیم عینی بدون ایجاد تغییر در ترکیب توزیع ثروت و درآمد جامعه است. امری که می‌تواند بدون دخالت دولت و نظارت پولی نیز سامان یابد. به عبارت دیگر می‌بایست پول توسط بانک به‌عنوان وکیل سپرده‌گذار چه به‌صورت سپرده قرض‌الحسنه و چه به‌عنوان مشارکت در سود و زیان حبس شود، به گونه‌ای که پرداخت پول از ناحیه قرض‌دهنده به قرض‌گیرنده به مفهوم کاهش قدرت پولی قرض‌دهنده و انتقال قدرت خرید به قرض‌گیرنده باشد. ضمن اینکه قرارداد قرض در ابتدا به روشنی بر پایه ماهیت پولی قرض و بدون اضافه پولی(بهره پولی) برای طرفین تفهیم شده است. این موضوع برای الگوهای مشارکتی عیناً با توجه به تفاوت‌های میان قراردادهای مشارکت در سود و زیان و شیوه قرض‌الحسنه قابل تسری است. در این راستا، امکان همزمانی بدهکاری و طلبکاری از ناحیه بانک و قطع رابطه میان سپرده‌گذار و بانک و همچنین رابطه میان سرمایه‌پذیر (به‌عنوان گیرنده وجه برای فعالیت در قالب عقود مشارکتی) و سپرده‌گذار قابل پذیرش نیست، در نتیجه امکان جعل ذهنی منتفی است.

در عین حال توجه بیشتر اندیشمندان اسلامی معطوف حرمت ربا و دوری از بهره در معاملات پولی است. در این میان، هر چند دولت به‌عنوان متولی انتشار پول رسمی(یا پول به مفهوم قرارداد ذهنی) در خصوص کاهش ارزش پولی ضامن است، از سوی دیگر بانک می‌بایست به‌عنوان وکیل سپرده‌گذار اصل پول را در سرمایه‌گذاری شریک کند. همچنین، شرط قبض یک راه برای کاهش تأثیر مکانیزم خلق پول بانکی است، اما پرسش اساسی در این موضوع که آیا بانک در چارچوب سپرده‌پذیری می‌تواند به خلق اعتبار مبادرت نموده و در مسیر عقود اسلامی فعالیت کند به صراحت و روشنی دیدگاه‌های غربی در حوزه اندیشه اسلامی تحقیقی اندیشه بدیعی مشاهده نمی‌شود.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

۵. نتیجه‌گیری

انسان در تصور و تحلیل پدیده‌های پیرامون در پی شناخت حقیقت، ماهیت و صورت معقول آنهاست. مشاهده عینی آغاز تصوری است که از شئ در ذهن ایجاد می‌شود. خصوصیت این تصور آن است که در تمام ادراکات بشری به‌صورت یکسان ارتکاز می‌شود. در واقع، خاصیت مواهب خدادادی به‌عنوان ذخیره کالایی در اختیار بشر این است که تصویری واحد را در ذهن عقلایی ایجاد نماید. در این راستا، پول فلزی با منشأ طبیعی و خدادادی کارکردی خودکار در یک اقتصاد پولی ایجاد می‌کند که دلیل آن وجود ارتکاز یکسان از ماهیت پولی است.

پول به‌صورت ماهیت ذهنی با فاصله زمانی دورتر با رشد عقلی بشر در استفاده از مفاهیم ذهنی برای مبادله کالایی ابتکاری است که بشر توانسته است در کنار دیگر ماهیت‌های دیگر انتزاعی، ایجاد و در چیدمان تصورات منطقی خود بکار گیرد. زبان، فلسفه و ریاضیات از جمله مباحثی است که انسان عقلایی آن را به‌عنوان تصویری تماماً ذهنی به‌دست می‌آورد و بر اساس آن اندیشه‌های ذهنی دیگری را پایه‌گذاری و در پی آن مبانی، مفاهیم دیگری را بسط می‌دهد.

پول بدون پشتوانه با ماهیت ذهنی صرف به‌دلیل کارکرد وسیع و همه‌گیر آن در اجتماع این خصوصیت را دارد که در تمام افراد به یک شکل به‌دست نیاید یا در صورت اتصاف به یک ارزش ذاتی در تمام اذهان به‌واسطه عرضه با کشش و هزینه‌های پایین تولید مورد جعل یا سوءاستفاده قرار گیرد. در عین حال، عبور از مرزهای عینی به ماهیت ذهنی و جعلی یک موضوع در تمام انتزاع‌ها مشترک است و آن الگوپذیری از یک ماهیت عینی در ارتکاز ذهنی یا جعلی است. به‌عبارت دیگر، در نگاه کلی ذهن انسان هیچگاه نتوانسته است تا یک ماهیت کاملاً ذهنی را بدون وجود ریشه‌های حقیقی خلق نماید به این معنا که عدم وجود یک سابقه تاریخی نیست، بلکه به‌معنای عدم توانایی ذاتی ذهن در ارتکاز ماهیت کاملاً ذهنی و جعلی است. این مسئله در مورد پول به‌عنوان ماهیت ذهنی یا جعلی (با وجود اعتباری بدون پشتوانه) چند نتیجه را حاصل می‌کند.

– انسان‌ها در استفاده از پول با منشأ ذهنی و جعلی (و نه مبنای فلزی و کالایی) در تعاملات اجتماعی به یک اندازه از ظرفیت عقلی و هوش اجتماعی برخوردار نیستند، بنابراین تصور پول بدون پشتوانه و اتصاف ارزش ذاتی به پول اسمی کاغذی یا اعتبار کاملاً جعلی مستلزم یک قواعد عرفی و قرارداد اجتماعی است تا بتواند یک تصور واحد را در جامعه ایجاد نماید تا بتوان در پرتو آن رفاه جامعه را تضمین کرد.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

– پول بدون پشتوانه به‌عنوان یک پدیده ابتکاری برای سهولت در روابط اقتصادی ویژگی منحصر به فردی دارد که آن را از سایر کالاها مجزا می‌کند. کشش تولیدی هزینه پایین تولید یک قدرت کاملاً انحصاری را به تولیدکننده آن می‌دهد.

– کانون بازگشتی از پول بدون پشتوانه یا اعتبار محض به ماهیت حقیقی مطابق با اصل پذیرفته شده از عدم ارتکاز ماهیت‌های ذهنی محض بدون الگوگرفتن از ماهیت‌های عینی و حقیقی به مفهوم عدم امکان ایجاد دارایی‌ها با ماهیت کاملاً مجازی برای جذب پول و اعتبار بدون پشتوانه است.

به عبارت دیگر، نمی‌توان تعادل اقتصادی را بر پایه امور کاملاً مجازی شامل اعتبار محض و موجودی سرمایه کاغذی قرار داد و چنانچه ابتکاراتی نیز وجود داشته باشد بسیار لرزان است. از این رو در سازوکار اعتباری با منشأ خلق اعتبار از هیچ، اقتصاد را با عدم تعادل و نوسان‌های دوره‌ای مواجه می‌سازد. نگاه‌های متفاوت اندیشه‌های اسلامی و غیراسلامی به این موضوع راهکارهای مختلفی را ارائه می‌کند.

در نگرش مارکس این مسئله به تضاد و فروپاشی در نظام سرمایه‌داری می‌انجامد و نظامی بدون کارکرد قیمتی و پولی شکل می‌گیرد. در بستر اقتصاد پولی متعارف عقلانیت و پدیده اطلاعات شرایط تعادل را برقرار می‌سازد. در نگرش موافقان نظام اعتباری محض این مهم از طریق تورم خودافزا و شتابان و نیز پس‌انداز اجباری و تغییر در توزیع درآمد در فضای تعادل بهره پولی و بهره طبیعی برقرار می‌شود. در نگاه اصلاح‌طلبان و بازگشت‌کنندگان به نظام ذخیره ۱۰۰ درصدی پول کاملاً دولتی با جلوگیری از فراگرد پول فلزی در پرتو اعمال نظارت مشروع و قانونی دولت این مکانیزم به تعادل باز می‌گردد. نگاه اندیشمندان اسلامی به این موضوع با تأکید بر ماهیت و چیستی پول به‌جای کارکرد پولی استوار می‌شود. در این راستا نظام مالکیت، عدم انقطاع رابطه پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، تعریف منحصر به فرد رابطه بانک با سپرده‌گذار و وام‌گیرنده و نیز کارکرد نظام بانکی در کنار عواملی نظیر ضمان دولت و بانک در کاهش ارزش پول در بستر افزایش خلق پول و اعتبار نقشی مهم در ارتباط ماهیت عینی پول در برابر ارتکاز ذهنی و جعلی از آن ایفا می‌کند. در عین حال، توجه اندیشمندان اسلامی معطوف حرمت ربا در فضای اقتصاد پولی است و در مورد خلق اعتبار بانکی در چارچوب عقود اسلامی توجهی نشده است و رویکرد اندیشمندان غربی در این خصوص کامل‌تر است.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

منابع

ابراهیمی، حسین (۱۳۷۲)، *ربا و قرض در اسلام*، قم: انتشارات فرا نشر.

ازوجی، علاءالدین، علیرضا فرهادی‌کیا (۱۳۸۶)، "ارزیابی اثرات سیاست‌های آزادسازی مالی و تغییرات نرخ بهره بانکی بر توسعه بخش مالی اقتصاد ایران"، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، شماره ۴.

بلانچارد، اولیویر جین، استنلی فیشر (۱۳۷۶)، *درس‌هایی در اقتصاد کلان*، جلد اول، ترجمه ختایی مسعود و تیمور محمدی، تهران: انتشارات سازمان برنامه بودجه.

تفضلی، فریدون (۱۳۸۷)، *اندیشه‌های اقتصادی لودویک فون میزس*، تهران: نشر نی.

تفضلی، فریدون (۱۳۷۲)، *تاریخ عقاید اقتصادی*، تهران: نشر نی.

توانایان‌فرد، حسن (۱۳۸۵)، *فرهنگ تشریحی اقتصاد*، تهران: شرکت نشر الکترونیکی اطلاع‌رسانی جهان رایانه.

توسلی، محمداسماعیل (۱۳۸۴)، "بررسی و نقد نظریات برخی از اندیشه‌وران اسلامی درباره ماهیت پول"، *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*، شماره ۱۹.

خوانساری، محمد (۱۳۶۳)، *منطق صوری*، تهران: انتشارات آگاه.

دانشگاه امام صادق (ع) ، معاونت پژوهشی دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی (۱۳۸۸)، *بحران مالی سال ۲۰۰۸؛ ریشه‌ها، پیامدها و راهکارها*، تهران: معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی.

داوودی، پرویز و حسین صمصامی (۱۳۸۸)، *اقتصاد پول و بانکداری*، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

داوودی، پرویز و محمدجواد محقق (۱۳۸۷)، "بانکداری محدود"، *جستارهای اقتصادی دو فصلنامه علمی و پژوهشی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه*، سال پنجم، شماره ۱۰.

درخشان، مسعود (۱۳۸۷)، *ماهیت و علل بحران مالی ۲۰۰۸ و تأثیر آن بر اقتصاد ایران*، تهران: مؤسسه تدبیر اقتصاد.

دلالی‌اصفهانی، رحیم، واعظ برزانی، محمد و رضا رفیعی‌دهکردی (۱۳۸۷)، "تأثیر واسطه‌های مالی بر رشد اقتصادی ایران"، *پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی*، بهار ، شماره ۲۸ (ویژه اقتصاد).

دلالی‌اصفهانی، رحیم، واعظ‌برزانی، محمد و محمدسعید قیاسوند (۱۳۸۶)، "کاربرد تئوری مقدار بهینه پول در ایران"، *مجله تحقیقات اقتصادی دانشگاه تهران*، زمستان.

رضایی‌میرقائد، محسن (۱۳۷۱)، *تئوری ارزش و قیمت*، تهران: انتشارات امیرکبیر.

ریمون، بارتلر (۱۳۸۷)، *اندیشه‌های سیاسی و اقتصادی هایک*، ترجمه فریدون تفضلی، تهران: نشر نی.

شهیدصدر، محمدباقر (۱۳۶۰)، *بانک اسلامی*، ترجمه خنجی، قم: انتشارات الفتح.

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۳)، *تفسیر المیزان*، جلد اول، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طیبی، سیدکمیل و لیلا ترکی (۱۳۸۹)، "ارزیابی اثر آزادسازی مالی بر نوسان‌های نرخ ارز کشورهای در حال توسعه"، *مجله تحقیقات اقتصادی*، شماره ۹۳.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

عیوضلو، حسین و حسین میثمی (۱۳۸۷)، "بررسی نظری ثبات و کارایی بانکداری اسلامی در مقایسه با بانکداری متعارف"، *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*، شماره ۳۱.

غنی‌نژاد اهری، موسی (۱۳۸۱)، *درباره هایک*، تهران: انتشارات نگاه معاصر.

کمیجانی، اکبر و همکاران (۱۳۷۴)، *سیاست‌های پولی مناسب جهت تثبیت فعالیت‌های اقتصادی*، تهران: معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی.

کینز، جان مینارد (۱۳۴۸)، *نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول*، ترجمه فرهنگ منوچهر، تهران: مؤسسه تحقیقات اقتصادی.

گزل، سیلویو (۱۳۸۳)، *نظام اقتصاد طبیعی از راه زمین آزاد و پول آزاد*، ترجمه سید ابراهیم بیضایی، تهران: انتشارات سمت.

لایونل رابینز (۱۳۸۴)، *تاریخ اندیشه اقتصادی*، ترجمه غلامرضا آزاد ارمکی ، تهران: نشر نی.

مارکس، کارل (۱۳۶۳)، *مبانی نقد اقتصاد سیاسی*، ترجمه پرهام باقر و احمد تدین ، تهران: انتشارات آگه.

مارکس، کارل (۱۳۸۶)، *سرمایه*، ترجمه حسن مرتضوی، تهران: انتشارات آگاه.

مجاهدی‌مؤخر، محمدمهدی، دلالی‌اصفهانی، رحیم، صمدی، سعید و رسول بخشی‌دستجردی (۱۳۹۰)، "مدلسازی الگوی رفتار بین نسلی از عملکرد بانکداری ذخیره‌ی جزئی با تأکید بر رهیافت موریس آله"، *فصلنامه تحقیقات مدلسازی اقتصادی*، شماره ۵، پاییز.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)، *نظری به نظام اقتصادی اسلام*، قم: انتشارات صدرا.

موسویان، سیدعباس (۱۳۸۸)، "مهندسی مالی عقود در بانکداری اسلامی"، *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*، شماره ۳۵.

میرمعزی، سیدحسین (۱۳۸۴)، *اقتصاد کلان با رویکرد اسلامی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

واعظ‌برزانی، محمد، دلالی‌اصفهانی، رحیم و مهدی درویشی‌دهکردی، "رقابت‌پذیری بانکداری غیرربوی در عرصه بانکداری رایج بین‌الملل"، *جستارهای اقتصادی دو فصلنامه علمی و پژوهشی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه*، سال پنجم، شماره ۹.

هاشمی‌شاهرودی، سیدمحمود (۱۳۷۴)، "احکام فقهی کاهش ارزش پول"، *مجله فقه اهل بیت (ع)*، شماره ۲.

یوسفی، احمدعلی (۱۳۷۷)، *ماهیت پول و راهبردهای فقهی و اقتصادی آن*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

Allais, Maurice (1993), "The Monetary Conditions of an Economy of Markets from the Teachings of the Past to the Reforms of Tomorrow", Islamic Research and Training Institute, Jeddah, Saudi Arabia.▫

Allais, Maurice (1947), "Economie et Interet", Paris, Librarie Des Publication Officielles.▫

Allais, Maurice (1987), "The Credit Mechanisem and its Implications", In Arrow and the Foundation of the Theory of Economic Policy, G. R. Feiwel (Ed.) London: Macmillan.▫

Bellofiore, R. (1994), "Between Wicksell and Hayek Mises Theory of Money and Credit Revisited", *American Journal of Economics and Sociology,* Vol. 57, No. 4.

Bewley, T. (1982), "An Integration of Equilibrium Theory and Turnpike Theory", *Journal of Mathematical Economics,* Vol. 10, PP. 233-267.▫

Bewley, T. (1983), "A Difficalty with the Optimum Quanttity of Money", *Econometrica*.▫

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

Birchenhall, C. & P. Grout (1984), "Mathematics for Modern Economics", Simon and Schuster International Group, New York.
Black, J. (2002), "Oxford Dictionary of Economics", Oxford University Press.
Dow, Sheila C. (1996), "Why the Banking System Should be Regulated", *The Economic Journal,* Vol. 106, PP. 698-707.
Evan, Kraft & Tomisalv Calac (2007), "Deposit Interest Rates, Asset Risk and Bank Failure in Croatia", *Journal of Financial Stability,* Vol. 24, PP. 312-336.
Filippo, Cesarano (1998), "Providing for the Optimum Quantity of Money", *Jornal of Economic Studies,* Vol. 25, No. 6.
Fisher, Irving (1933), "The Debt-Deflation Theory of Great Epressions", *Economietrica,* Vol. 1, PP. 337-57.
Fisher, Irving (1934c), "The 100% System and Bank Credit", *American Banker,* (December7), Vol. 2.
Francesco, Columba (2009), "Narrow Money and Transaction Technology: New Disaggregated Evidence", *Journal of Economics and Business,* Vol. 61, PP. 312-325.
Friedman, M. (1969), *The Optimum Quantity of Money and Other Essays,* Chicago, Aldine.
Harald, Hagemann (2001), "Wicksell's New Theory of Crises: An Introduction", *Structural Change and Economic Dynamics,* Vol. 12, Issue 3, PP. 331-334.
Eatwell, John Murray Milgate & Peter Newman (1987),"The New Palgrave and Dictionary of Economics", London, The Macmillan Press Ltd.
Kraken John H. & Neil Wallace (1978), "Deposit Insurance and Bank Regulation; A Partial – Equilibrium Exposition", *Journal of Business,* Vol. 57, No. 3, Jul, PP. 413-438.
Kilin, M. & B. Neyapti (2012), "Bank Regulation and Supervision and its Welfare Implication", *Economic Modeling,* Vol. 29, No. 2, PP. 132-141.
Kobayakawa, Shuji & Nakamora Hisashi (2000), "A Theatrical Analysis of Narrow Banking Proposal", *Monetary and Economic Studies,* May, PP. 105-118.
Luis, A. & Hernandez Aramburo (1995), "Book Review Wicksell's Monetary Theory"**,** *Journal of Economics and Control,* Vol. 19.
Niehans, Jurg (1987), "Classical Monetary Theory New and Old", *Journal of Money, Credit and Banking,* Vol. 19.
Novales, A., Fernandez, E. & J. Ruiz (2009), "Economic Growth: Theory and Numerical Solution Methods", Springer-Verlag Berlin Heidelberg.
Ono, Yoshiyasu (1994), "Money, Interest and Stagnation-Dynamic Theory and Keynes's Economics", London: Oxford University Press.
Roger, E. Backhouse (2000), "Early Histories of Economic Thought (1824-1914)", London: Routledge 11 New Fetter Lane.
Ronnie, J. Phillips (1994), "The Chicago Plan and New Deal Banking Reform", NewYork, M. E. Sharping.
Ronnie, J. Philips (1992), "Credit Market and Narrow Banking", *Annual Meeting of the Easern Economics Association,* New York City, March, Working Paper, No. 77.
Samuelson, Paul A. (1958), "An Exact Consumption Loan Model of Interest with or without the Social Contrivance of Money", *Journal of Political Economy,* Vol. 66, PP. 1002-1011.
Simons, Henry (1935), "Review: Lauchlin Currie, The Supply and Control of Money in the United States", *Journal of Political Economiy,* (August), PP. 555-8.
Von Hayek, F. A. (1933), *Monetary Theory and the Trade Cycle,* London: Jonathan Cape.
Von Hayek, F. A. (1935), *Prices and Production,* London: Routledge.
Von MIises, l. (1943), "Elastic Expectation and the Austrian Theory oF the Trade Cycle", *Economica,* PP. 12-33.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

Von Miises, l. (1949), *Human Action: A Treatise on Conomics,* New Haven, CT: Yale University Press.
Von Miises, l. (1971), *The Theory of Money and Credit,* New Haven, CT: Yale University Press.
Wicksell, K. (1907), "The Influence of the Rate of Interest on Price", *The Economic Journal,* PP. 213–220.
Yan, li (2009), "The Theory of Fiat Money and Private Money as Alternative Media of Exchange", *International Review of Economics and Finance,* Vol. 18, PP. 568-582.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-27]